

دوهفته‌نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی سحر
انجمن اسلامی دانشجویان مستقل
دانشگاه علامه طباطبائی | شماره چهل و هفتم | اسفند ۱۴۰۰

استفاده حداکثری از حداق‌لی به نام برج‌نام

مصاحبه اختصاصی سحر با دکتر مهدی خانعلی زاده،
مدیر گروه روابط بین الملل و ترجمه در مرکز اسناد انقلاب اسلامی

پیرامون برجام و مذاکرات وین

در این شماره پیشتر می‌خوانید:

آنچه در مستقل می‌گذرد

صفحه ۳۷

بستن پرونده تاراج کودکی

صفحه ۱۸

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان مستقل
دانشگاه علامه طباطبائی

مدیر مسئول: علیرضا بهرامی

سردبیر: زهرایلوئی

ویراستار: زهرا صیدی

هیئت تحریریه: حمیده عرب سرخی، سید حسین
هژبری، علیرضا منگلی نسب، محمد صادق عباسی،
محمد جواد عباسی، حنا مه مطلبی، زینب عشوریان،
فاطمه عشوریان، هانیه سلحشور، محمدامین
برغمندی، نرگس جانی، فاطمه الیاسی
صفحه آرا: محمدحسین نیکبخت

تلفیق مجلسی‌ها این بار برای بودجه

استفاده حداکثری از حداقلی به نام برجام

دست‌اندازه‌های صنعت خودروسازی

مشارکت یا سنگ‌اندازی

اسلام دین حکومت

تاراج کودکی‌ه

این طرح سر دراز دارد

جهاد تبیین؛ یک جهاد نوین

کالای ایرانی، موتور محرک اقتصاد

پرچم گمراهی

حکمرانی درست، نیاز هر جامعه

آنچه در مستقل می‌گذرد

۴

۸

۱۲

۱۴

۱۶

۱۸

۲۲

۲۴

۲۶

۲۸

۳۰

۳۲

تلفیق مجلسی‌ها این بار برای بودجه



پیرامون روند بررسی بودجه ۱۴۰۱ در کمیسیون تلفیق مجلس

حمیده عرب‌سرخی

مسئول واحد خواران
دانشکده علوم اجتماعی



عملکرد کمیسیون تلفیق در بررسی بودجه سال آینده و تعیین وظایف دولت، محل نقد و ارائه نظرات متفاوتی بوده است. برخی از مصوبات مطرح شده عبارتند از افزایش وام قرض‌الحسنه ازدواج برای هر یک از زوج‌ها تا ۱۲۰ میلیون تومان، همسان‌سازی حقوق اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، مخالفت با حذف ارز ترجیحی، تعیین حداقل حقوق کارکنان دولت به میزان ۵ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان، اختصاص ۹۰ هزار میلیارد تومان برای همسان‌سازی حقوق بازنشستگان، معافیت حقوق زیر ۵ میلیون تومان از مالیات و موافقت با واردات ۵۰ هزار خودرو.

برابری از نوع درآمد

یکی از موضوعات قابل پرداخت، همسان‌سازی حقوق کارگران، بازنشستگان و ایثارگران است که از نقاط مثبت بودجه امسال به حساب می‌آید. دلیل مثبت بودن این حرکت، یکسان‌سازی افراد و برداشتن فاصله طبقاتی بین افراد در قشری واحد است اما در صورتی این کار جواب خواهد داد که صرفاً محدود به این قشر نشده بلکه طبقات بالای جامعه را نیز شامل شود و بحث عدالت اجتماعی و فسادستیزی محقق گردد. طبق سخنان حاجی بابایی، پایین‌ترین میزان حقوق برای شاغلین ۵ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان و حداقل حقوق برای بازنشستگان ۵ میلیون تومان در نظر گرفته شده که نسبت به سال گذشته ۶۰ درصد افزایش داشته است. همچنین افرادی که از ۵ میلیون تا ۱۵ میلیون تومان دریافتی دارند مشمول ۱۰ درصد مالیات هستند، ۱۵ تا ۲۵ میلیون تومان نیز ۱۵ درصد و ۲۵ میلیون تومان ۲۰ درصد مالیات می‌پردازند. نکته مهم دیگر در این بحث مربوط به

بازنشستگان تأمین اجتماعی است که شامل این طرح نمی‌شوند و همین مطلب بیان‌گر ناعادلانه چیده شدن طرح است و قسمتی از افراد در آن محاسبه نخواهند شد. لذا طرح از جامعیت مطلوبی برخوردار نیست. همچنین در سال ۱۴۰۰ مجلس برای برقراری این طرح دست‌وپا شکسته تعللی غیرمنطقی انجام داد که موجب فرصت‌سوزی در زمان و اجرای این طرح شد. لذا مجلس، باید با ارائه طرحی عمومی در جهت تأمین رفاه عموم جامعه و افشار مرتبط، کار را برای دستگاه‌های ذی‌ربط آسان کند.

سیگار، پل ارتباطی جدیدی برای قاچاق

یکی از نقاط منفی، بحث مالیات بر سیگار است که براساس این تعرفه کمیسیون می‌تواند باعث افزایش قاچاق این کالا و ایجاد دلالتی‌هایی در این عرصه باشد و اگر هدف مجلس کاهش مصرف دخانیات از جمله سیگار و نوعی درآمدزایی از این طریق است، ابتدا روش‌های اصولی دیگری مانند جلوگیری از رواج فرهنگ دلالی و قاچاق و... باید پدیدار شود و بعد روش‌های اخذ مالیات رخ دهد. همین مصوبه می‌تواند برای دولت در زمینه گمرک مانعی ایجاد کند تا دوباره احتکار و فساد دیگری در این زمینه رخ ندهد که این امر نیازمند سیاست‌های پیش‌بینی شده است. نکته دیگر آنکه اگر بحث فرهنگ‌سازی و نبود قانون و طرح برای رفع مشکل است، لذا مجلس وظیفه دارد در جهت بهبود اوضاع قاچاق و دلالی تلاش کند و هرگونه راه رسیدن به آن را با وضع قانون مرتبط و مکمل مسدود کند. از طرفی بحث درآمدزایی و اخذ مالیات در حوزه اقتصادی بسیار حائز اهمیت است اما اگر خارج از چارچوب باشد برای نهادهای نظارتی و امنیتی مشکل‌زا خواهد بود. پس راهکار تسهیل‌گر در این زمینه صرفاً ورود قانونی و مجاز است که

می‌تواند مثر ثمر باشد.

لقمه واردات را دور سر تاسیسات عمرانی پیچیدن

طی مصوبه کمیسیون تلفیق بودجه با واردات ۵۰ هزار خودرو می‌توان نوعی درآمدزایی ایجاد کرد و پول مرتبط با آن را به تأسیس یا تکمیل بخش‌های راه‌آهن و ... اختصاص داد در صورتی که می‌توانیم با حمایت از خودرو داخلی، باتوجه به سخنان اخیر رهبری و اختصاص بودجه موردنظر به آنها و افزایش کیفیت، سهم عظیمی در این اهم داشته باشیم. در این صورت هم به درآمدزایی خواهیم رسید و هم در زمینه تأسیسات عمرانی کمک خواهیم کرد. حمایت از تولید داخلی نباید دوگانه‌ای با بحث عمران ایجاد کند. پس مجلس نباید، ارتقای سطح عمرانی و درآمدزایی برای آن را با ایجاد مشکل دیگری رقم بزند، بلکه باید با ایجاد تدابیری در همان حیطه، در این بخش تسهیل‌گر باشد و به صورت مجزا و کامل، جدی و پیگیرانه، متصدی و حمایت‌گر در جهت تولید داخلی باشد.

نظام سلامت، ضامن جسم و روح جامعه

مصوبه اخیر کمیسیون تلفیق در ارتباط با نظارت بیشتر و جدی‌تر بر عملکرد بخش سلامت در افزایش شفافیت و نظارت بر سیستم سلامت جامعه اثرگذار خواهد بود. اختصاص این بودجه به‌خصوص در دانشگاه‌های علوم پزشکی موجب کمک قابل توجهی به کاهش

هدررفت منابع در نظام سلامت و افزایش کارایی در این بخش خواهد کرد. همچنین شفاف‌سازی و نظارت



مصوبه اخیر
کمیسیون تلفیق در
ارتباط با نظارت بیشتر و
جدی‌تر بر
عملکرد بخش سلامت
در افزایش شفافیت
و نظارت بر سیستم
سلامت جامعه
اثرگذار
خواهد بود.
اختصاص این
بودجه به خصوص در
دانشگاه‌های علوم
پزشکی موجب کمک
قابل توجهی به کاهش
هدررفت منابع در نظام
سلامت و افزایش کارایی
در این بخش خواهد کرد.

همه جانبه در این زمینه می‌تواند به جلوگیری از فسادها در زمینه سلامت از جمله دلالتی‌ها و حقوق‌های نجومی سرو سامان دهد و با ایجاد پایداری و اعتماد دوطرفه، شرایط را برای دولت آسان‌تر کرده تا بتواند به سایر ایرادات نظام سلامت بپردازد و آنان را در اولویت قرار دهند.

کشمکش ارز بر سر
تدریجی بودن یا نبودن
ارز ترجیحی مسئله بسیار مهمی در عرصه اقتصادی است که موافقان و مخالفان خود را دارد. در مصوبه کمیسیون تلفیق از ارز ترجیحی و عدم حذف آن صحبت شده

است. از جمله دلایلی که برای حذف نکردن ارز ترجیحی مطرح شده این است که در شرایط حال حاضر می‌تواند در وارد کردن کالاهای اساسی و تأمین آنها از جمله دارو و گندم و موارد دیگر کمک کننده باشد اما این نظر موافقان و مخالفانی دارد. با توجه به مطالعاتی که کارشناسان مختلف در این حوزه داشتند حذف ارز ترجیحی می‌تواند به افزایش قاچاق کالا، پایین آمدن ارزش کالاها و کاهش روند تولیدات داخلی و همچنین افزایش پایه پولی و مسائلی از این دست بینجامد اما همچنان سوال اینجاست که چگونه می‌توان بدون داشتن این موانع قوانین را نوشت؟ پایبندی نمایندگان مجلس به حذف نکردن ارز ترجیحی نشان می‌دهد که ذهن افراد زیادی را درگیر کرده است. یکی از معایب بزرگ این تصمیم مجلس، افزایش رانت، فساد و به وجود آمدن نوع جدیدی از فساد در جامعه است که می‌تواند خسارت‌های جبران ناپذیری را در زمینه سیاست‌گذاری‌ها به وجود بیاورد. با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری در سخنان اخیر خود در ارتباط با بحث تولیدات داخلی



و حمایت از آنها و همچنین عدم مواجه شدن با بحث کسری بودجه که در قبال آن افزایش ارز ترجیحی را در پی خواهد داشت، نمایندگان مجلس باید به دنبال این باشند که سیاست‌گذاری‌های خود را در جهت هر چه بهتر شدن اوضاع کسب و کار، اشتغال داخلی و اوضاع اقتصادی کشور قرار دهند و این راه‌ها با بررسی‌های کارشناسانه محقق می‌شود.

بودجه برنده میدان را تعیین می‌کند

در هر حال امید است که کمیسیون تلفیق، با توجه به ظرفیت و توانایی که در مجلس دارد به بهترین نحو عمل کند و عمل‌گرایی خود را با تخصصی و کارشناسی بودن پیش ببرد. در ضمن این نکته را نیز

می‌توان بیان کرد که بودجه یک کشور در آینده یک سال آن کشور اثرگذار خواهد بود و همچنین می‌تواند تأثیرات کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدتی را در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی داشته باشد. پس کمیسیون تلفیق بودجه مسئولیت سنگینی را در این زمینه دارد. علاوه بر رفع ایرادات در مصوبات خود و با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری، مشورت با افراد کارشناس و متخصص در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌تواند بهترین نتیجه را در مسئله بودجه داشته باشد. در غیر این صورت کشور با مسائلی مانند کسری بودجه، ایجاد تورم، افزایش قیمت کالاها و کاهش تولید داخلی و... مواجه خواهد شد. نکته دیگری که قابل بیان است، تفاوت سند

“

تفاوت سند بودجه ارائه شده توسط

دولت و کمیسیون تلفیق

است که شبهات را در

این زمینه افزایش داده

و می‌تواند برنامه‌های

دولت را با سختی در اجرا

مواجه کند.

لذا دوگانه‌گرایی

کمیسیون تلفیق با

برنامه ارائه شده نیز قابل

نقد بوده

و مجلس وظیفه دارد در

جهت رفع این موانع،

راه حل کارشناسی ارائه

کند و پاسخگویی را

شالوده اصلی کار خود

قرار دهد.

بودجه ارائه شده توسط دولت و کمیسیون تلفیق است که شبهات را در این زمینه افزایش داده و می‌تواند برنامه‌های دولت را با سختی در اجرا مواجه کند. وظیفه مجلس تبیین و پشتیبانی از دولت در جهت حفظ منافع مردم، کشور و پیشرفت همه جانبه در جهت تحکیم ارزش‌های اسلامی و حرکت به سمت اقتصادی خودساخته و فعال است. لذا دوگانه‌گرایی کمیسیون تلفیق با برنامه ارائه شده نیز قابل نقد بوده و مجلس وظیفه دارد در جهت رفع این موانع، راه حل کارشناسی ارائه کند و پاسخگویی را شالوده اصلی کار خود قرار دهد.

لذا باید به این نتیجه رسید که ایرادات وارده در بحث بودجه کاملاً امری طبیعی است اما مسئله مهم‌تر

این است که نمایندگان مجلس باید این خطاها را پذیرفته و در جهت اصلاح آن برآیند. حضور کارشناسان و متخصصان در این برهه می‌تواند شرایط مساعدی را فراهم کند. کمیسیون تلفیق بودجه در حال حاضر وظیفه و تکلیف سنگینی را به عهده دارد که هر نماینده در این کمیسیون با نشستن بر پشت میز نمایندگی باید اول از همه توجه به حقوق عامه مردم، تحت فشار قرار ندادن آنها و توجه به تمامی اقشار جامعه را مورد توجه قرار دهد و نگذارد که سرمایه‌داری، رانت، فساد و مواردی از این دست بر عدالت حاکم بر جامعه حکم فرما شود و جامعه را با مشکلات عدیده‌ای روبرو کند.

استفاده حداکثری از حداقلی به نام برجام

مصاحبه اختصاصی سحر با آقای دکتر
خانعلی زاده پیرامون برجام و مذاکرات
وین

سید حسین هژبری

دبیر سیاسی
دانشکده اقتصاد و آمار



در روزهای اخیر، اخباری

مبنی بر اینکه

مذاکرات وین در

یک قدمی توافق

است، زیاد به

گوش رسیده

است. از طرفی

مذاکره کننده‌ها

عنوان می‌کنند،

تا وقتی که بر سر

همه مسائل بحث نشود، نمی‌توانیم پرونده

مذاکرات را مختومه اعلام کنیم یا این که

ما به انعقاد قرارداد همان قدر نزدیکیم که از آن

دور هستیم. لذا به دلیل اهمیت این موضوع در

بازه زمانی پیش رو، بر آن شدیم تا با جناب دکتر

خانعلی زاده، کارشناس روابط بین‌الملل و هیئت

علمی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، مصاحبه‌ای

در خصوص موضوع مذکور داشته باشیم. شرح

گفت‌وگو به قرار زیر است.



**آیا چین و روسیه بر سر ظرفیتی به نام ایران،
با آمریکا در رقابت‌اند؟**

چین به‌طور ویژه به دنبال این است که در دوره

جدید نظام بین‌الملل با آمریکا هم‌آوردی کند و

جایگزین آمریکا و هژمون جهان بشود. بنابراین

از تمام ظرفیت‌ها استفاده می‌کند و حتی برای



دارند هرچه زودتر به نتیجه برسند. دیدگاه بعدی،

دولت بایدن است که در حوزه سیاست خارجی تا

به این لحظه دستاورد خاصی نداشته است و حتی

شکست‌های واضحی مثل خروج از افغانستان را در

کارنامه خود دارد که مورد انتقاد و اعتراضات شدید

در بین آمریکایی‌ها است. لذا بی‌صبرانه به دنبال

اعمال فشار برای توافقی با ایران است تا به کمک

رسانه‌های تحت اختیارش این توافق را به‌عنوان

دستاورد و پیروزی مهار ایران در کارنامه خود معرفی

کند و یا بدین وسیله بتواند از آن در داخل کشور

رونمایی کند و در پی آن انتخابات آبان ماه کنگره را

به نفع دموکرات‌ها تصاحب کند.

در این بحبوحه اسرائیل یک نقش متعادل‌کننده

برای منافع آمریکا است. اولاً نقش پلیس بد را

بازی می‌کند برای این که بتواند فشار کامل بیاورد

تا حداکثر امتیاز از ایران گرفته شود. ما شاهد

بودیم که زمان برجام اسرائیلی‌ها مدام علیه ایران

سخنرانی می‌کردند و حتی نتانیاهو برای اینکه

جلوی انتفاع اقتصادی ایران را بگیرد سخنرانی کرد

که از قضا به هدفش رسید. متأسفانه دولت وقت

ما متوجه این موضوع نبود. در شرایط کنونی هم

همین روند را در دست اجرا دارند با یک تفاوت؛

آمریکا را مهار کنند، به ظرفیت ایران نیازمندند و

این نه در حد شعار، بلکه در مقام عمل این‌طور

است. ایران یک کارت برنده بنیادین برای چین

و روسیه در تشکیل نظام نوین جهانی به‌شمار

می‌آید. صحنه جهانی از دید چین، مثل یک پازل

۱۰۰ تکه هست که ۵ تای آن در زمین ایران است و

چین برای تکمیل این پازل به سهم هرچند ناچیز

ایران نیازمند است. به عبارتی ایران در نگاه چین به

مثابه یک کلید است، هر چند ناچیز اما راهگشا.

آیا دولت آمریکا به توافق با ایران احتیاج دارد

یا اینکه این تمایل صرفاً از سمت بایدن است؟

موضع اسرائیل در این مسئله چیست؟

آمریکا از دو منظر به توافق با ایران احتیاج دارد.

منظر اول، ادعایی که خودشان دارند این هست

که ایران در حال پیشرفت هسته‌ای است و زمان

گریزش از بند تحریم‌ها فرا رسیده و گذشته

زمان به نفع ایران است؛ چون ما از نقطه بهینه

تحریم‌ها عبور کردیم. این بدان معنا است که

اگر قبلاً یک واحد تحریم منجر به یک واحد فشار

به ایران می‌شد، الآن ۱۰ واحد تحریم منجر به یک

واحد فشار به ایران می‌شود. بنابراین آن‌ها نیاز



به این دلیل که:

۱. دولت های آمریکایی ذاتاً مخالف رساندن منفعت اقتصادی به ایران هستند.

۲. دولت آمریکا نمی تواند یک چنین تعهد بین المللی بدهد.

۳. دولت بسیار ضعیف بایدن اصلاً قابل مقایسه با هم طیفی های خودش مثل اوپاما نیست. چون زمان اوپاما هم مخالفت هایی از جهت جمهوری خواهان کنگره به سمت دولت وجود داشت اما اوپاما از طرف دموکرات ها لاقلاً پذیرش و مقبولیتی در این باره داشت که بخواهد مذاکرات را به ثمر برساند ولی اقدام مثبتی انجام نداد و تحریم ها علیه ملت ایران از آن موقع شروع شد. دولت بایدن همان پذیرش دموکرات های هم حزب خود را هم تا حدودی ندارد و این مسئله به وضوح قابل مشاهده است. مثل ماجرای راب مالی و بایدن بر سر مذاکرات برجام. اختلافات و ناتوانی، کاملاً در بدنه دولت مشهود است و بایدن اکنون در ضعیف ترین وضعیت، با خشن ترین رقبای خود روبرو است. لذا به هیچ وجه نمی توان بایدن را با اوپاما مقایسه کرد، گرچه که ذات همه دولت مردان آمریکا علیه ایران است و هدفشان مهار ایران است. جنس مذاکرات مانند جلسات قبلی باقی ماند.

ما انتظار داریم که خود تیم مذاکره کننده اساساً برای دور بعدی جلسات درس بگیرد و این اشتباهات را تکرار نکند.

آقای سیف (رئیس بانک مرکزی وقت) در سفر به آمریکا عنوان می کند که تقریباً هیچ عایدی نصیب ما نشده است.

لذا این از سرگیری مذاکرات با هدف کسب حداکثر منافع، از حداقل برجام است با پشتوانه راستی آزمایی، تا حداقل، همان تنفسی باشد که مسئولین برای عبور از گردنه اقتصاد فعلی به دنبالش بودند.

اختلاف نظر جمهوری خواهان کنگره با بایدن بر سر التزام دولت های بعدی آمریکا بر ماندن در توافق و پایبندی به آن را چطور ارزیابی می کنید؟ ضمناً ضمانت اجرایی آمریکا به چه نحوی است؟

علاوه بر دولت های بعد، حتی دولت بایدن هم هیچ ضمانتی برای پایبندی به توافقات را ندارد. چون دولت بایدن دولت بسیار ضعیفی است و معلوم نیست که اصلاً شخص بایدن در رأس کار باشد یا نباشد، ممکن است استیضاح شود یا هر رخداد دیگری به بار آید. آیا جایگزینی دارد، هریس جایگزینش می شود یا انتخابات دیگری برگزار می شود، اگر جمهوری خواهان در کنگره رای بیاورند، دوام بایدن چقدر خواهد بود؟ و اساساً یکی از استدلال هایی که آورده می شود مبنی بر این که نباید به مذاکرات برجام دل بست همین اوضاع نابه سامان طرف مقابل و رفتارهای آشفته و درهم آن ها با برجام است. به همین دلیل عمر هر توافقی با دولت ضعیف بایدن در بهترین حالت نهایتاً یک سال است و آن هم منوط به این است که در این یک سال اجرایی شود و اقدامات درستی انجام پذیرد. بنابراین برای اوضاع اقتصادی کشور، مذاکرات فقط باید تنفسی باشد تا فرصت کنیم گردنه فشارهای اقتصادی را پشت سر بگذاریم. به هیچ عنوان مذاکره منجر به بهبود شرایط اقتصادی نمی شود.

آیا در حال حاضر ماندن ما در برجام، صوری و نمایشی است یا واقعاً با جدیت پیش می رویم و به دنبال عایدی هستیم؟

بهترین زمان و بهینه ترین زمان برای خروج از برجام برای ما، همان زمان خروج ترامپ بود؛ چون هم پروژه سیاست حداکثری را کلید زده بود و هم این- که ما حمایت کشورهای اروپایی را نیز نداشتیم که متأسفانه این فرصت از دست رفت.

اما در شرایط ابتدای برجام فعلی، ما دو دیدگاه داشتیم: دیدگاه اول که همان دیدگاه دولت سابق است که از قشر اصول گرای دولت فعلی هم شنیده شد، مبنی بر این که با توجه به ریل گذاری دولت قبل و فضای ملتهب اقتصادی، ما نیازمند تنفسی هر چند اندک و کوتاه مدت هستیم. نگاه دوم هم، بر هم زدن برجام دولت پیشین است با این استدلال و پشتوانه که نقطه اوج تحریم ها سپری شده و اوضاع وخیم تر از وضع موجود نخواهد شد. اما آقای دکتر باقری تلاش کرد راه حل سومی را طراحی کند و آن هم این بود: اتخاذ سیاست استفاده حداکثری از حداقلی به نام برجام. اگر طرف مقابل این را بپذیرفت که نهایت امر ما به یک نفع اقتصادی نسبی می رسیم و اگر نپذیرفت، ما بر قطع رشته های وابستگی و خروج از فشار آمریکا در داخل متمرکز می شویم.

برجامی که سابقاً منعقد شد قراردادی بود که داده آن از ستانده اش بسیار کمتر بود؛ این خسارت بار بود. اما در مقام عمل این برجام طبق تعبیر رهبری به خسارت محض تبدیل شد؛ و این بدان معنا است که داده ها را تسلیم طرف مقابل کردیم ولی هیچ ستانده و عایدی برای ما نداشت. همان طور که

آن هم این که دولت رژیم صهیونیستی درگیری ها و آشفتگی های زیادی دارد. وضعیت اقتصادی با مشکل روبرو است، رقیب جدی بنت یعنی نتانیاهو مقابلش قرار گرفته، درگیری ها با فلسطین محاسباتشان را برهم زده است و مواردی از این قبیل که کمی دخالت ها را کم رنگ کرده اما این به آن معنا نیست که نمی تواند تأثیرگذار باشد. به همین علت شکل این دخالت عوض شده است. درگذشته اسرائیل ملاحظات خود را با فشار بر واشنگتن علیه ایران اعمال می کرد اما اکنون تنها واشنگتن را نویسنده برجام نمی بیند و نماینده خود را مستقیماً به وین می فرستد تا از طرق مختلف با نهادهای دیگر گفت و گو کند و بازی خود را پیش ببرد. اسرائیل به طور کلی توافقی را می پسندد که منجر به تضعیف و عدم انتفاع اقتصادی ایران شود و از طرفی به دنبال کسب مجوز از آمریکا برای انجام اقدامات خرابکارانه علیه ایران است.

پس از خروج ترامپ از برجام، فرصتی وجود داشت تا ما هم به همان بهانه از برجام خارج شویم. اما منتظر دولت دموکرات ها ماندیم و با اعلام آمادگی دولت آمریکا برای دور جدید مذاکرات، فرصت خروج از ما سلب شد.



دست اندازهای صنعت خودروسازی



شرحی بر دلایل پیشرفت نکردن صنعت خودروسازی در ایران

علیرضا منگلی‌نسب

دبیر نشریات
دانشکده حقوق و علوم سیاسی



خودروسازی صنعتی وسیع است که زیرشاخه‌های صنعتی بسیاری دارد و به‌همین دلیل میزان اشتغال‌زایی این صنعت نسبت به دیگر فعالیت‌های اقتصادی بیشتر است. بنابراین فعالیت‌های اقتصادی بسیاری وابسته به این صنعت هستند. خودروسازی ایران جزء بزرگ‌ترین صنایع خاورمیانه است اما سابقه ۵۰ ساله این صنعت بعد از انقلاب خروجی مطلوبی ندارد. کیفیت پایین و همچنین قیمت بسیار بالای خودروهای تولیدی نارضایتی مردم را در پی داشته است. رهبر انقلاب نیز در دیدار با تولیدکنندگان به این مسئله واکنش نشان داده‌اند. در واکاوی علت‌های پیشرفت نکردن این صنعت دو نکته بیش از همه به چشم می‌خورد که در ادامه به این نکات خواهیم پرداخت.

فلسفه‌ای روشن برای آینده

در این صنعت برای طراحی و تولید خودرو سمند به اندازه ارزش یک کمپانی هزینه شده است؛ درحالی‌که با تغییر مدیریت در این شرکت با اینکه هزینه‌های گزافی برای داخلی‌سازی پرداخت شده بود اما دوباره به واردات و مشارکت با شرکت‌های خارجی و منتاژ پرداختیم. پس از مدتی باز با اعمال تحریم‌های جدید همه‌ی شرکت‌های خارجی از کشور خارج شدند و دست این صنعت را در پوست‌گردو گذاشتند و این موضوع عواقب بسیار بدی برای این صنعت داشت از جمله تعطیلی مقطعی برخی از کارخانه‌ها، شوک در بازار خودرو و افزایش قیمت که تا کنون نیز ادامه دارد. در حقیقت اولین دلیل پیشرفت نکردن صنعت خودروسازی در ایران را می‌توان تعدد رویکردها دانست. برنامه‌ریزی و داشتن فلسفه‌ای روشن برای آینده می‌تواند به بازگشت این صنعت در مسیر پیشرفت کمک بسیاری کند.

مدیریتی که کارساز نبود

دومین علت مشکلات خودروسازی را باید در نحوه مدیریت این صنعت جست‌وجو کرد. در زمانی که اولویت اول کشور مسئله جنگ تحمیلی بود و نظارت دقیقی بر صنعت خودروسازی وجود نداشت، ساختاری به ریل‌گذاری برای تصرف کل این صنعت هم در بدنه حاکمیتی و هم در درون این صنعت می‌پرداخت. افرادی که روزی در سمت معاونان وزارت صمت بودند و باعث افزایش وابستگی صنعت خودرو به دولت شدند با افزایش نفوذ و کناره‌گیری از سمت‌های دولتی به دایه‌داران خصوصی‌سازی و منتقدان دخالت دولتی تبدیل شدند. خصوصی‌سازی و اقتصاد مردمی مولفه خوبی است و رهبر انقلاب نیز بر این مهم تاکید کرده‌اند اما باید توجه داشت که خصوصی‌سازی نباید زمینه‌ساز ایجاد رانت و انحصارطلبی شود. پایه‌گذاری برای منفعت‌طلبی و بیش از ۴۲ سال همراه با جناح هم‌سوی خود در قدرت بودن زمینه انحصار را آسان می‌کند. انحصار و منفعت‌گرایی باعث بهانه آوردن برای تولید قطعه می‌شود و چه کارهایی که به گردن تحریم‌ها انداخته شد! چرا که سود فرد انحصارطلب در انبار شدن و افزایش قیمت در وضعیت تورمی کشور است. شاید بهترین وضعیت از مدیریت در صنعت خودروسازی را بتوان در این جمله از

نتیجه تحقیق و تفحص مجلس در اردیبهشت ۹۹ خلاصه کرد: «ساختار پیچیده، تو در تو و چند لایه مالکیت و سهامداری حلقوی و لذا فساد سیستماتیک در آن دارد که از زمان اجرای ناصحیح خصوصیسازی پدید آمده است.»

پیشرفت نکردن این صنعت بسیار مهم دلایل دیگری هم دارد اما دو موردی که در متن به آن اشاره شد دارای اهمیت بیشتری هستند؛ چرا که ما در کشور ثابت کرده‌ایم که توانایی به پایان رساندن انجام نشدنی‌ترین کارها را داریم لذا «یکی ایجاد یک نقشه‌ی راهبردی برای مجموع صنعت کشور و به‌خصوص بعضی از صنایع» و «مدیریت متمرکز و هدایت آن» را می‌توان موثرترین راهکار دانست که رهبر انقلاب نیز در دیدار با تولیدکنندگان مطرحش کردند. توقع می‌رود که مسئولین با درس گرفتن از گذشته و سرلوحه قرار دادن مضامین رهبر انقلاب این صنعت را به جایگاه درخور نظام جمهوری اسلامی ایران همچون صنایع موشکی برسانند.



مشارکت یا سنگ اندازی

محمدصادق عباسی

دبیر دانشکده
ادبیات و زبان‌های خارجه



کلیدی‌ترین پرسشی که هر مسئول پس از اتمام مسئولیتش باید به آن بیاندیشد این است که ناظر به حکومت وقت چه وظیفه‌ای دارد و باید نسبت به آن چه موضعی داشته باشد؟ کنشش باید چه شکلی باشد؟ به‌طور کلی برای پاسخ به این سؤال اساسی دو رویکرد تکلیف‌گرایانه مطابق نگاه دینی و سیره معصومین و همچنین رویکردی منفعت‌طلبانه وجود دارد که قصد داریم به آن بپردازیم.

رویکرد تکلیف‌گرایانه

بر اساس این رویکرد، حزب در اقلیت می‌تواند با برگزاری نشست‌هایی متشکل از گروه‌های مختلف دانشگاهی، کارشناسان و سیاستمداران به دولت در مدیریت امور و طرح‌های کلان یاری برساند و به آن‌ها کمک‌های محتوایی کند. وقتی در سیره

معصومین علیه السلام غور کنیم، می‌بینیم که امامان در حالی که حق حکومتشان غصب شده بود در موارد حساس به دولت خلفای راشدین و بنی‌عباس مشاوره می‌دادند و آن‌ها را نقد می‌کردند. به‌عنوان مثال امیرالمؤمنین علی علیه السلام در زمان حکومت عمر به او در امور قضایی، تعیین تکلیف زمین‌های فتح شده عراق، تعیین هجرت پیامبر به‌عنوان مبدأ تاریخ اسلامی و... مشورت می‌دادند و این کمک‌ها به جایی رسید که عمر می‌گفت: «لو لا علیُّ لَهَلَکَ العُمُرُ». امام باقر علیه السلام هم برای حفظ کیان جامعه اسلامی در مقابل چاره‌جویی خلیفه اموی عبدالملک بن مروان آنچه را که به صلاح اسلام بود متذکر می‌شدند. زمانی که عبدالملک متوجه پارچه‌هایی شد که روی آن‌ها به زبان رومی «ابو روح‌القدس» نوشته شده بود، دستور داد که جلوی این کار را بگیرند و شعار اسلامی «شهد الله انه لا اله الا هو» بنویسند. امپراتور روم از این کار ناراحت شد و با ارسال هدایایی خواهش کرد که پارچه‌ها به وضع قبلی برگردد و این کار را هر بار با هدایای بیش‌تر انجام می‌داد اما عبدالملک نمی‌پذیرفت.



در آخر امپراتور روم تهدید کرد که اگر این کار را نکنید، روی سکه‌های رومی کلمات توهین‌آمیز نسبت به پیامبر شما می‌نویسیم. در این میان از امام علیه‌السلام درخواست کمک کرد. امام دستور داد که روی سکه‌های آنان، یک طرف سوره قل هو الله و طرفی دیگر لا اله الا الله ضرب سکه بزنند و یک نمونه از سکه‌ها را برای امپراتور روم بفرستند. در نگاه دینی مشارکت و نظارت هم تکلیف و حق مردم است و هم در انجام بهتر مسئولیت‌ها فرصتی بزرگ برای دولت به‌شمار می‌رود. پس باید چنین نگاهی در هر کسی که باور به گفتمان انقلاب اسلامی دارد وجود داشته باشد و فراتر از رقابت‌های انتخاباتی، در مسیر خدمت به مردم و تعالی فرهنگ حرکت کنند.

رویکرد منفعت‌طلبانه

رویکرد دومی که وجود دارد این است که در جامعه غربی که نظام پارلمانی حاکم است، احزاب مخالف دولت مستقر با تشکیل یک دولت پشت پرده سعی دارند که علاوه بر کنترل امور دولت، در آینده بتوانند قدرت را به‌دست بگیرند. این احزاب نظارت و مشارکت را نه تنها وظیفه خود نمی‌انگارند بلکه فراتر از آن سعی دارند با سلسله اقدامات خرابکارانه در عملکرد دولت، بتوانند در آینده‌ای نه‌چندان دور قدرت را به‌دست بگیرند. در ایران نیز، عبد‌الناصر همتی رئیس پیشین بانک مرکزی و یکی از کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری اخیر که یکی از منتقدان جدی دولت سیزدهم است و همچنین حسن روحانی، به‌صورت چراغ خاموش جلسات خود را جهت تشکیل گروهی در پشت پرده برگزار می‌کنند. این افراد بخاطر این‌که زمانی در قدرت بودند پایگاه اجتماعی و رسانه‌ای موثری دارند و حضورشان در کنار دولت مستقر، می‌تواند اثرگذار باشد. اما در

این میان، آقای همتی با استفاده از رسانه‌های چون توئیتر انتقادات خود نسبت به عملکرد دولت را بیان می‌کنند و هر اتفاقی که در کشور رخ می‌دهد گردن دولت می‌اندازند. ضمناً مسائل و مشکلاتی که ثمره اقدامات خود آن‌ها در دوران مسئولیتشان است به دولت جدید نسبت می‌دهند. به‌عنوان مثال در چند ماه اخیر آقای همتی به دولت هشدار داده بود که فشار به بانک‌ها را متوقف کند چرا که پایه پولی افزایش یافته است اما زمانی که آمار پایه پولی را هنگام ریاست ایشان در بانک مرکزی بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که در سه سال ریاستشان ۱۹۳ هزار میلیارد تومان پایه پولی افزایش یافته است. آقای روحانی و گروهش با تخریب و مانع‌تراشی به دنبال این هستند که برای انتخابات پیش رو موجی بسازند، فضا را به‌دست بگیرند و نیروهای خود را به بدنه دولت برگردانند. این رویکرد تنها به آقای همتی یا روحانی و گروهش منحصر نمی‌شود. بلکه تمام مسئولانی که اکنون روی کار نیستند و حتی زمانی که در دولت نبودند و به‌درستی وظیفه خودشان را در قبال دولت انجام ندادند، باید از ابزاری که در اختیار دارند کمک بگیرند و آن را در راستای کمک به دولت مستقر و در راستای منافع ملی قرار بدهند. اگر چنین نکنند مرتکب خیانت به اسلام و مردم می‌شوند و باید نسبت به تک‌تک کارهای خود مقابل مردم پاسخگو باشند.

مردم همچنان وعده‌های آقایان در دوران مسئولیتشان را فراموش نکرده‌اند که امروز فریب رویکرد حق به جانب آن‌ها را بخورند. بنابراین در جمهوری اسلامی هر فرد پس از اتمام مسئولیتش بر اساس وظیفه دینی که بر دمه دارد باید در زمینه تخصصش کمک کار دولت باشد؛ نه مانع و مترصد فرصت برای تضعیف دولت و تقویت خود.

اسلام دین حکومت



محمدجواد عباسی
عضو فعال
دانشکده حقوق و ع.سیاسی

امروزه موضوع جدایی حوزه‌ها از سیاست و تبدیل ایران به یک کشور سکولار دغدغه عده‌ای از روحانیون و غیر روحانیون شده است. این افراد عمدتاً با استناد به سخنان آیت الله حائری راه تحبیب روحانیت در دل مردم را در گرو جدا شدن حوزه از سیاست می‌دانند و برای این موضوع استدلال می‌کنند. اما چرا باید حوزه از سیاست خارج نشود و حوزه‌های علمیه صرفاً به تدریس نپردازند؟ چرا حکومت باید اسلامی باشد؟

تصور این که اسلام دینی است که صرفاً به مسائل فردی و اخلاقی می‌پردازد، غلط است. اجتماعی بودن اسلام بسیار واضح است و در تمام ابعاد این موضوع را می‌توان دید. اسلام خود سیاست است. حضرت علی علیه السلام در خطبه‌ی شششنبه علت پذیرش خلافت را تکلیف دینی می‌داند. اگر بخواهیم جامعه را

به سمت آرمان‌های اسلام حرکت دهیم باید تمام دستگاه‌های آن جامعه به کمک هم و با یک هدف مشخص فعالیت‌های خود را در تحقق این آرمان‌ها انجام دهند. صرف اینکه فردی که بر جامعه حکومت می‌کند یک شخص مسلمان باشد کفایت نمی‌کند. بلکه آن حاکم باید متخصص دین باشد تا بتواند این هدف را محقق کند. آشنایی دقیق و عمیق با اسلام و متخصص شدن در آن خوب است اما همه‌ی مردم نمی‌توانند به آن بپردازند. این اصل را در اسلام تفقه می‌نامند که همان روحانیت یا فقیه شدن است. حکومت اسلامی قطعاً باید به رهبریت کسی باشد که با احکام اسلام کاملاً آشنا باشد و به اصطلاح فقیه باشد اما به این معنی نیست که تمام دستگاه‌های اجرایی و حکومتی به‌طور کامل در اختیار آن‌ها باشد. این موضوع نشان‌دهنده الزام حضور روحانیت در سیاست است.

روحانیت در خط مقدم مبارزه با استکبار

سر آغاز مبارزه با دستگاه حاکم و رژیم دیکتاتوری در ایران نهضت تنباکو است که به رهبری میرزای شیرازی در دوره قاجار صورت گرفت. این جرقه باعث شروع مبارزات شد و روحانیت و حوزه‌های علمیه نقش اصلی را داشتند. آیت الله مدرس، نواب صفوی، آیت الله کاشانی و در نهایت امام خمینی اصلی‌ترین رهبران این جنبش‌ها بودند. جریان‌ها و احزاب مختلف در شکل‌گیری انقلاب اسلامی نقش داشتند اما اصلی‌ترین جریان، جریان اسلام‌گرایی بود و روحانیت در آن نقش بسیار مهمی داشتند. سخنرانی‌هایی که بر علیه رژیم شاه می‌شد در مراسمات مذهبی و مساجد موجب بیداری مردم شد. روحانیت در راه انقلاب از جان خود مایه گذاشت و شهید داد و بسیاری تبعید و زندان را تجربه کردند. بدون وجود حوزه انقلابی صورت نمی‌گرفت و تغییر رژیم اتفاق نمی‌افتاد.

روی خوش مردم به روحانیت

دین رسمی کشور ایران اسلام است و بر اساس آمار سرشماری سال ۹۰ بیش از ۹۹ درصد مردم ایران مسلمان هستند. بعد از پیروزی انقلاب به رهبری امام خمینی و همراهی مردم، تصمیم‌گیری در مورد نحوه‌ی حکومت و پذیرش یا عدم پذیرش جمهوری اسلامی بر عهده مردم گذاشته شد که بوسیله همه‌پرسی صورت گرفت. ۹۸/۲ درصد واجدان شرایط رای آری به نظام جمهوری اسلامی دادند و این نظام برای حکومت برگزیده شد. بعد از انقلاب اسلامی نیز حضور روحانیون چه در پست ریاست جمهوری و چه در مجلس شورای اسلامی با رای مردم بوده است و باید به انتخاب اکثریت احترام گذاشت. حضور روحانیت در سیاست هم پیشینه‌ای بسیار قوی دارد و هم پشتوانه‌ای محکم که نشان

می‌دهد این حضور اشتباه نبوده است و مقصر دانستن روحانیت در اوضاع کنونی کشور غلط است. جدا شدن روحانیت از سیاست حرکت به سمت سکولاریسم است و مطرح کردن جدایی حوزه از سیاست نشان از آن دارد که عده‌ای سعی در اعمال سکولاریسم و به نوعی ایستادن در برابر اندیشه حضرت علی علیه السلام را دارند. در این صورت روحانیت کار خود را درست برابر اندیشه حضرت علی علیه السلام را دارند. در این صورت روحانیت کار خود را درست انجام نداده

جدا شدن روحانیت از سیاست حرکت به سمت سکولاریسم است و مطرح کردن جدایی حوزه از سیاست نشان از آن دارد که عده‌ای سعی در اعمال سکولاریسم و به نوعی ایستادن در برابر اندیشه حضرت علی علیه السلام را دارند. در این صورت روحانیت کار خود را درست انجام نداده است و هم جامعه مسیر غلط را طی میکنند.

است و هم جامعه مسیر غلط را طی می‌کند. مردم و روحانیت در راه رسیدن به این نظام و به‌منظور پیاده کردن اسلام بسیار تلاش کرده‌اند شهید داده‌اند و خالصانه جنگیده‌اند.

طریق فرزندان خویش به آرزوهای نایافته‌ی خود برسند.

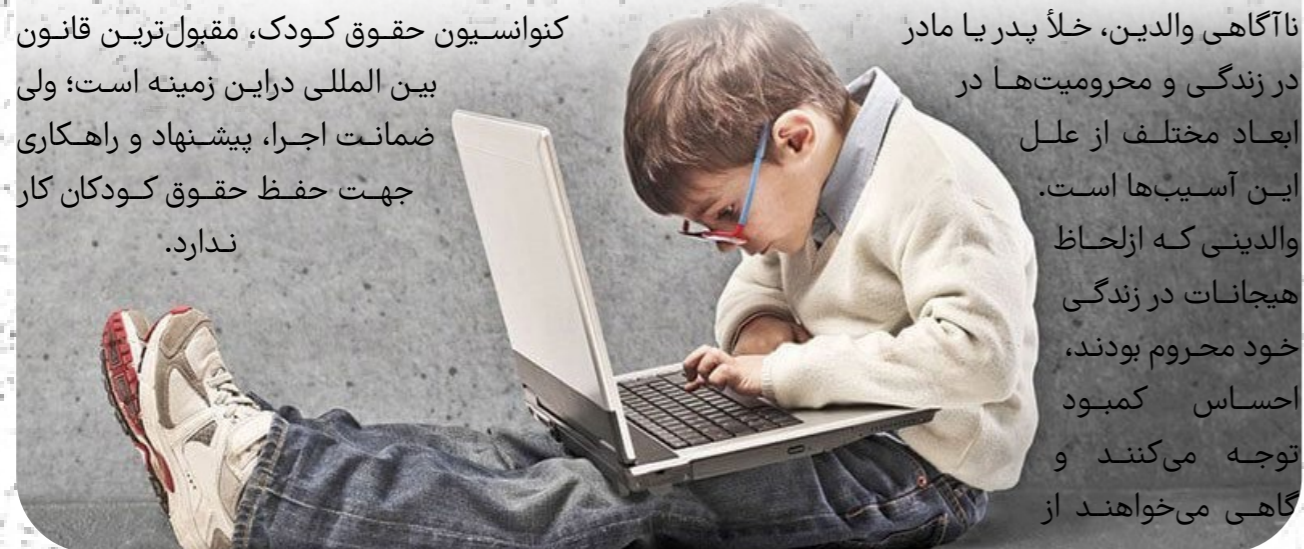
امروزه شهرت‌طلبی در اولویت قرار گرفته است. کودکان به جهت ویژگی‌های خاصی که دارند، زودتر از بزرگسالان مورد اقبال قرار می‌گیرند و شهرت بیشتری را برای والدین خود به همراه دارند. کودکان کار مجازی قربانیان این شهرت‌طلبی والدین هستند.

علاوه بر آن، با توجه به سخنان دکتر محمدرضا رهبریور که در شماره ۵۴ نشریه سحر منتشر شد؛ عدم توجه به بعد اخلاقی و نبود قانون صریح و شفاف پیرامون این موضوع، از دیگر عوامل مشکل‌آفرین است.

کودکان کار در خارج از مرزها

پدیده کودکان کار مجازی مختص کشور ما نیست و با توجه به اهمیت حقوق کودکان، در سطح بین الملل سازمان‌هایی مانند یونسکو و یونیسف در این زمینه پیش‌گام بوده‌اند. همچنین سازمان ملل متحد پیمان‌نامه‌ای تحت عنوان پیمان‌نامه حقوق کودک نوشته است. این پیمان‌نامه یک کنوانسیون بین المللی است که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را بیان می‌کند. ایران نیز در سال ۱۳۷۲ به این کنوانسیون پیوست.

کنوانسیون حقوق کودک، مقبول‌ترین قانون بین المللی در این زمینه است؛ ولی ضمانت اجرا، پیشنهاد و راهکاری جهت حفظ حقوق کودکان کار ندارد.



ناآگاهی والدین، خلأ پدر یا مادر در زندگی و محرومیت‌ها در ابعاد مختلف از علل این آسیب‌ها است. والدینی که از لحاظ هیجانات در زندگی خود محروم بودند، احساس کمبود توجه می‌کنند و گاهی می‌خواهند از

کاذب و... پرداخته شده است.

تاکنون به بررسی برخی عواقب فردی این پدیده پرداختیم، اما آنچه این رویداد را مهم‌تر می‌کند آثار اجتماعی آن است. کودکان کار مجازی علاوه بر اینکه خودشان قربانی می‌شوند دیگران را هم به دام می‌اندازند.

ازجمله پیامدهای اجتماعی این امر می‌توان به تغییر ارزش‌ها اشاره کرد. در گذشته خوشبختی را درگرو ارزش‌هایی مانند کسب روزی حلال، قناعت، صداقت و... می‌دانستند؛ امروزه اغلب افراد، کودکان اینفلوئنسر را یک کودک خوشبخت می‌بینند و این امر موجب تغییر ارزش‌های جامعه می‌شود. در عصر حاضر ارزش‌های سابق مبدل به راه‌های کسب شهرت و اینفلوئنسری شده است. علاوه بر آن، سایر همسالان این کودکان ناخواسته در سیکل بیمارکننده مقایسه با کودک «پرند شده» و «اینفلوئنسر» قرار می‌گیرند و دچار پرخاشگری، خود کم‌بینی و... می‌شوند.

نکته حائز اهمیت این است که رواج بهره‌کشی از کودکان، سبب بحران هویت و دوشخصیتی شدن کودک می‌شود و این امر در گذر زمان بیماری جامعه را به همراه دارد.

کودکان کار مجازی محصول غفلت‌های بزرگ

پرونده ویژه تاراج کودکی



و شخصیتی آن‌ها آسیب می‌زند را کودک کار می‌نامند. استفاده‌ی تجاری و تبلیغاتی از کودکان، قدرت آسیب‌زایی بالایی برای آن‌ها دارد. برای پی بردن به این امر، کفایت شماری از این آسیب‌ها را بررسی کنیم.

اختلالات شخصیتی از مهم‌ترین آسیب‌های تهدیدکننده‌ی کودکان کار مجازی است. این کودکان فرآیند تکاملی خود را طی نمی‌کنند. در کودکی شبیه بزرگسالان رفتار می‌کنند و در بزرگسالی اندوه کودکی از دست‌رفته را می‌خورند. از دیگر مشکلات کودکان کار مجازی، افسردگی است. مسئله این است که این کودک روزی تبدیل به نوجوان می‌شود و ویژگی‌های کنونی‌اش را از دست می‌دهد؛ آیا آن موقع، تنهایی به سراغ این فرد نمی‌آید؟ حتی حال مجید در قصه‌های مجید، این روزها مطلوب نیست؛ چراکه آن شخصیت، مخصوص آن سن و سال بوده و قصه دیگر ادامه نداشته است.

همچنین در شماره ۴۲ نشریه سحر، مصاحبه‌ای با دکتر کامران شیوندی پیرامون ابعاد روان‌شناختی کودکان کار مجازی منتشر شد. در آن مصاحبه به تشریح دیگر آسیب‌های این پدیده، از جمله عدم شکوفایی کودک، منزوی شدن، اعتماد به نفس



خانه سادات مطلبی

دیر نشریات
دانشکده علوم اجتماعی

در ادامه‌ی پیگیری‌های نشریه‌ی سحر با موضوع «کودکان کار مجازی» و مصاحبه با تعدادی از اساتید دانشکده‌های حقوق و علوم سیاسی، روانشناسی و علوم اجتماعی که در شماره‌های قبلی به انتشار رسیدند، این بار به برآیند این موضوع می‌پردازیم.

کودک‌آزاری مدرن

امروزه با پدید آمدن پلتفرم‌های جدید، تغییرات بسیاری در شئون زندگی بشر به وجود آمده است. روی کار آمدن میکروسلبریتی‌ها از جمله وقایعی بود که در پرتو این پلتفرم‌ها شکل گرفت. میکروسلبریتی‌ها افرادی هستند که با به اشتراک گذاشتن بخشی از زندگی خود، معروف می‌شوند. پدیده کودکان کار مجازی نیز یکی از پیامدهای روی کار آمدن میکروسلبریتی‌ها است.

عمق فاجعه

طبق تعریف یونیسف کلیه‌ی اشخاص زیر ۱۸ سال که فعالیتشان به سلامت فیزیکی، روانی، اجتماعی



بی توجهی چیست؟ مگر کودکان آینده ساز جامعه نیستند؟ آیا فردی که در دوران کودکی مورد بهره کشی تبلیغاتی قرار گرفته و دچار اختلالات شخصیتی شده، می تواند جامعه ای استوار و مقتدر بسازد؟!

همواره بخشی از بودجه عمومی کشور صرف مراکز علمی و پژوهشی می شود. در کشور ما مراکز پژوهشی بسیاری وجود

دارند که مسائل اجتماعی در حیطه آنان است؛ مانند پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، مرکز پژوهش های مجلس، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات و... این مراکز تاکنون در رابطه با این موضوع چه اقداماتی انجام داده اند؟ از نکات دیگر این است که توجه به مسائل مشکل ساز اجتماعی و ایجاد آگاهی عمومی را می توان از وظایف رسانه ملی دانست؛ اما متأسفانه اکنون صداوسیما در این زمینه سکوت کرده است. رسانه ملی در کشور ما رویداد محور است، نه آینده محور. زمانی که کودکی به قتل می رسد، همه رسانه ها به آن می پردازند در حالی که یک رسانه به حقوق پایمال شده کودکان در فضای مجازی نمی پردازد. چه بستری بهتر از رسانه ملی برای آگاه سازی و آسیب شناسی آثار بلندمدت این پدیده است؟!

علاوه بر صداوسیما، آموزش و پرورش نیز به عنوان یک نهادی که ارتباط تنگاتنگی با کودکان و والدین آن ها دارد می تواند در این زمینه مؤثر واقع شود. با توجه به بستری که برای نهادهای مربوطه فراهم است؛ از آن ها انتظار می رود هرچه سریع تر و قبل از آن که با بحران جدیدی روبرو شویم، در جهت بهبود معضلات کودکان کار مجازی گام بردارند.

مهم نیست که به این میدان ورود نمی کنند؟! از دیگر موارد قابل ذکر این است که با وجود رشد شبکه های اجتماعی و ایجاد جرائم سایبری، بستر این فضا از نظر امنیتی پیشرفتی نکرده است. آیا هنوز موعد آن نرسیده که فکری به حال امنیت ضعیف فضای مجازی شود؟ این بستر حتی توان صیانت از اطلاعات و محتویات شخصی را ندارد و اگر فردی از انتشار داده های خود پشیمان شود با سیل عظیمی از انتشار و بازدید کاربران مواجه می شود و چاره ای جز افسوس ندارد.

از منظر دیگر

علاوه بر تقویت قوه قانونی، مسائل فرهنگی نیز در این زمینه اهمیت بسزایی دارند. این معضل نیازمند سیاست مدیریتی پیشگیرانه است. والدین با خیل عظیمی از شبکه های گسترده مجازی مواجه هستند که اطلاعات کاملی از خطرات آن ندارند و صرفاً سرخوش سودهایی هستند که از این فضا کسب می کنند. مادر مدرن اگر بداند این بستر چه آسیب هایی برای فرزندش دارد، خود و فرزند خود را از استفاده ی نادرست از آن برحذر می دارد؛ بنابراین با آموزش و اطلاع رسانی در این زمینه، می توان مانع پیشرفت این معضل شد.

بدون تعارف

این کودکان هنوز وارد فضای گفتمانی کشور نشده اند و نهادها این موضوع را به رسمیت نپذیرفتند. بنابراین نظارتی بر آن ندارند. دلیل این حجم از



علاوه بر آن، پایان دوران کودکی را به سلیقه کشورها واگذار کرده است و این مهر تأییدی بر کار کودکان و خلاف صیانت از حقوق آنان است.

علاوه بر آن، مسئله اساسی این است که این کنوانسیون در رابطه با کودکان کار سابق است و کودکان کار مجازی با وجود اینکه چند سال از روی کار آمدنشان می گذرد همچنان نیمه ی بازمانده ی قوانین هستند.

نقص در قوانین بین المللی سببی شد تا برخی کشورها مانند استرالیا، آلمان، کانادا، ترکیه، کلمبیا و... به صورت مجزا، برای حقوق کودکان کار مجازی قوانینی را تصویب و اجرایی کنند. به عنوان مثال در اتریش، زمانی که فرد به سن ۱۸ سالگی می رسد می تواند از والدینش برای انتشار عکس و فیلم های شخصی شکایت کند و دادگاه والدین را به حذف محتواها و پرداخت جریمه نقدی محکوم می کند.

قوانین داخل برای کودکان داخل

در کشور ما قانون اساسی، جزا، دادرسی مدنی و قانون کار به بحث کار کودک پرداخته است. علاوه بر آن «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان» را می توان نقطه عطفی در توجه قانون گذار به حقوق کودکان قلمداد کرد. در این قانون برای نخستین بار شکنجه روحی جرم شناخته شد و کودک آزاری جرمی عمومی به شمار آمد؛ بنابراین، حق دادخواهی از انحصار ولی کودک خارج شده و عموم افراد می توانند بر ضد کودک آزار اعلام جرم کنند.

با وجود محاسن بسیار قوانین داخلی، باز هم ضمانت اجرایی و کودکان کار مجازی نیمه ی گمشده این قوانین هستند. حال سؤالی که مطرح است این است که مگر نهادهای قانون گذار از دانش و تجربه کافی در این زمینه برخوردار نیستند که همچنان قوانین فاقد ضمانت اجرایی هستند؟ مگر آینده ی چندین کودک کار مجازی برای مسئولین

این کودکان هنوز وارد فضای گفتمانی کشور نشده اند و نهادها این موضوع را به رسمیت نپذیرفتند. بنابراین نظارتی بر آن ندارند. دلیل این حجم از بی توجهی چیست؟ مگر کودکان آینده ساز جامعه نیستند؟ آیا فردی که در دوران کودکی مورد بهره کشی تبلیغاتی قرار گرفته و دچار اختلالات شخصیتی شده، می تواند جامعه ای استوار و مقتدر بسازد؟!

این طرح سردرآز دارد



زینب عشوریان
مسئول واحد خواهران
دانشکده علوم ارتباطات

بعد از سال‌ها از توجه ویژه مقام معظم رهبری به حوزه فضای مجازی و تنظیم‌گری آن، ثمره اولین تلاش‌ها برای جامه عمل پوشاندن به مطالبه مقام معظم رهبری، تقدیم طرحی با عنوان صیانت از حقوق کاربران از سوی نمایندگان ملت به صحن علنی مجلس بود. طرح صیانتی که مدتی تبدیل شد به طرح حمایت و بعد از تغییرات و اصلاحاتی که از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس مطرح شد، آخرین نسخه اصلاحی این طرح با نام نظام تنظیم مقررات خدمات فضای مجازی در دست بررسی مجلس شورای اسلامی است. نسخه جدید این طرح همراه با انتقادات زیادی است که در ادامه به چند مورد آن اشاره خواهد شد.

داستان سلب اختیار

تصویب، تدوین، سیاست‌گذاری و نظارت به‌نظر کلید واژه‌های جدی است که در شرح وظایف کمیسیون شورای عالی فضای مجازی به آن

به‌نظر اگر کمیسیون صرفاً بخواهد پیشنهادات خود را به دولت اعمال کند و دولت آن را به تصویب برساند و در نهایت مجلس شورای اسلامی آن را تبدیل به قانون کند، جز تقلیل جایگاه کمیسیون به یک نهاد مشورتی و سلب اختیارات آن نیست!

ایمنی بیش از پیش داده

در ماده ۹، ۱۰ و ۱۱ فصل چهارم این نسخه به بحث گذرگاه‌های مرزی اشاره شده است. نسخه جدیدی که مرکز پژوهش‌ها بیرون داده رسمیت را به وضوح به رخ می‌کشد. در نسخه قبلی طرح، بصورت مختصر به این مطلب اشاره شده بود که عبور و مرور داده باید در داخل کشور انجام شود و نیروهای مسلح در کمیسیون حاضر باشند و عملاً گذرگاه‌های مرزی توسط کمیسیون کنترل شود. اما در نسخه جدید چیزی که دیده می‌شود، واریسی تمام داده‌ها که قرار است وارد یا خارج کشور شوند باید به دست نیروهای مسلح باشند. چیزی که تا دیروز در کاغذ نبود ولیکن در عمل بنا بر اجرا شدن بود.

تکمیل حمایت از کاربر

در فصل ششم این طرح که با عبارت حمایت از حقوق کاربران مشخص است، ویژگی مطلوبی که دیده می‌شود اشاره و تأکید مستقیم به اسناد شورای عالی فضای مجازی است. در فصل قبلی ملزم بود به آمار گرفتن این مسئله که آیا فلان ماده مصوب شورای عالی فضای مجازی هست یا خیر؟ اما در این فصل از نسخه جدید طرح، مستقیماً به مواردی که مصوب شورا است تأکید شده و آورده شده است.

همچنین بر طبق ماده ۱۵ بند ب همین فصل آورده شده: « احراز هویت معتبر کاربران و حفظ اطلاعات آن‌ها مطابق قوانین موضوعه و سند هویت معتبر مصوب شورای عالی فضای مجازی».

- ویژگی مطلوبی که** مطلبی که در این نسخه به آن اشاره شده تعریف **دیده می‌شود**
- اشاره و تأکید مستقیم** ip / internet protocol
- به اسناد شورای عالی** کاربران داخلی است که لزوماً باید در ایران مستقر شود.
- فضای مجازی است.** همان قانونی که سال‌ها پیش روسیه مصوب کرده بود که تمام اطلاعات کاربران فضای مجازی در مرز کشورش ذخیره شود.
- در فصل قبلی ملزم** بود به آمار گرفتن این مسئله که آیا فلان ماده
- مصوب شورای عالی** فضای مجازی هست یا خیر؟ اما در این فصل
- از نسخه جدید طرح،** مستقیماً به مواردی که مصوب شورا است
- تأکید شده و آورده** **طرح را با مردم هم در شده است.**

میان بگذارید!

درخواستی که همیشه از سوی مردمی که خواستار نظام حکمرانی درست در فضای مجازی هستند گفته می‌شد و پاسخی نداشت، دقت نظر به این طرح و پیش گرفتن کار با نظرات کارشناسانه و به دور از جو رسانه‌ای بود. به‌نحوی که با تصویب طرح، تشویش اذهان و بی‌اعتمادی متعدد حاصل نشود.

تا دیروز از تصویب نشدن و سامان نگرستن فضای مجازی شاکی بودیم، این بار از تصویب طرح که گویا مسائلی در درون خود دارد که هنوز برای مردم شفاف نیست. مسئولین محترم! زمان طولانی است که طرح را این پا آن پا می‌کنید و می‌گویید در حال بررسی کارشناسی طرح هستیم اما گویا بخشی را اصلاح و بخش دیگر را زایل می‌کنید. حال با تصویب کلیات نسخه جدید طرح و مسائلی که همچنان بر روح حاکم بر فضای مجازی غلبه دارد، انتظار شفاف‌سازی طرح را داریم تا دغدغه‌ها و نگرانی‌های مردم کمی رفع شود.

جهاد تبیین؛ یک جهاد نوین

هائیه سلحشور

مسئول واحد خواهران
دانشکده اقتصاد و آمار



«جهاد تبیین» کلیدواژه‌ای است که رهبر انقلاب اخیراً چندین بار در بیاناتشان از آن یاد کرده‌اند اما چه چیزی باعث شده که این واژه به یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که ایشان مطرح کرده‌اند تبدیل شود؟ در ابتدا اگر بخواهیم فضای امروزه جامعه را ملموس‌تر ترسیم کنیم، باید بگوییم جامعه امروز جامعه‌ای آمیخته به مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کنار مردمی صبور و ظرفیت‌ها و منابعی عظیم است. در شرایطی که کشور از ناسپاسی برخی مسئولان رنج می‌برد، دشمنان انقلاب بیکار ننشسته‌اند و به دنبال تشدید مشکلات و بعضاً جابه‌جایی اصول و فروع مسائل کشور هستند. این انقلاب از همان اول بالا و پایین بسیاری را تجربه کرده است. از جنگ تحمیلی گرفته تا جنگ نرم و رسانه‌ای. امروزه مهم‌ترین بستر دشمن برای نفوذ، فضای مجازی و به طور کل رسانه است؛ زیرا وسایل ارتباط جمعی به یکی از گسترده‌ترین ابزارها مبدل گشته است و هر کسی به راحتی می‌تواند به این فضا دسترسی پیدا کند. علاوه بر آن، تأثیری که دشمن از این طریق می‌تواند بر اذهان عمومی بگذارد، مانند جنگ سخت آشکار نیست و زمان می‌برد تا اثرات آن نمایان شود و البته اثرات عمیق‌تری هم دارد؛ لذا امروز جنگیدن، از جهاتی پیچیده‌تر و سخت‌تر از جنگ با سلاح سرد است.

الزامات جهاد

برای انجام جهاد تبیین، باید اصول و قواعدی را رعایت کرد؛ از جمله:

(۱) تقویت ایمان و معنویت در خود: برای تداوم جهاد، باید ایمان، بصیرت و آگاهی خود را تقویت

کنیم. این آگاهی باید از اهل معرفت و کتاب به دست بیاید.

(۲) رعایت اخلاق: در فضای مجازی که هر حرفی به سرعت می‌تواند منتشر شود، انسان باید بیش از پیش ادب و اخلاق را رعایت کند. پرهیز از ترویج شایعات و بی‌اخلاقی‌ها و حرف‌های تند به بهانه انتقاد سازنده، مصادیقی از رعایت اخلاق در فضای مجازی هستند.

(۳) تحقیق برای فهمیدن مطلب: برای جهاد تبیین، ابتدا باید مطلبی که مطرح می‌شود را به درستی بفهمیم و حقیقت را از دروغ تشخیص دهیم تا بتوانیم آن را تبیین کنیم؛ لذا بعد از تشخیص نیازهای ضروری جامعه، باید با مطالعه، تحقیق و تأمل در آن حوزه، بر دانش خودمان بیفزاییم- که امروزه این کار امکان‌پذیر و آسان‌تر از گذشته است- تا تبیین به نحو احسن انجام بگیرد.

وظیفه اقشار مختلف

از آن جایی که جهاد تبیین فرمانی خطاب به همه اقشار جامعه است، لذا به وظایف چند قشر مهم می‌پردازیم:

(۱) مسئولان: مسئولان باید بدانند هیچ چیز به اندازه صحبت مستقیم با مردم کارساز نیست. هرچه مسئولین با مردم شفاف‌تر و صادقانه‌تر صحبت

کنند، تأثیرپذیری حرف‌های دشمن کمتر می‌شود. دشمن در کنار تبلیغات خود، تلاش می‌کند تا موج ناامیدی را در میان مردم بیشتر کند؛ لذا اگر مسئولان کاری انجام می‌دهند باید به مردم بگویند تا دلشان گرم شود، به سؤالات و ابهامات مردم پاسخ دهند و موضوع را شفاف کنند تا دشمن نتواند از طریق این غبار ابهام، فتنه‌انگیزی کند. تبیین محکومیت مفسدین هم از همین قبیل است. اگر مفسد اقتصادی در یکی از دستگاه‌های حاکمیت پیدا شد، باید برخورد قاطع و صریح انجام شود تا فضای جامعه مشوش نشود.

(۲) اساتید دانشگاه: اساساً دانشگاه می‌تواند به وسیله‌ای بسیار فعال برای حرکت، امید به مردم و روشنگری مبدل شود. کار فرهنگی در دانشگاه اصل

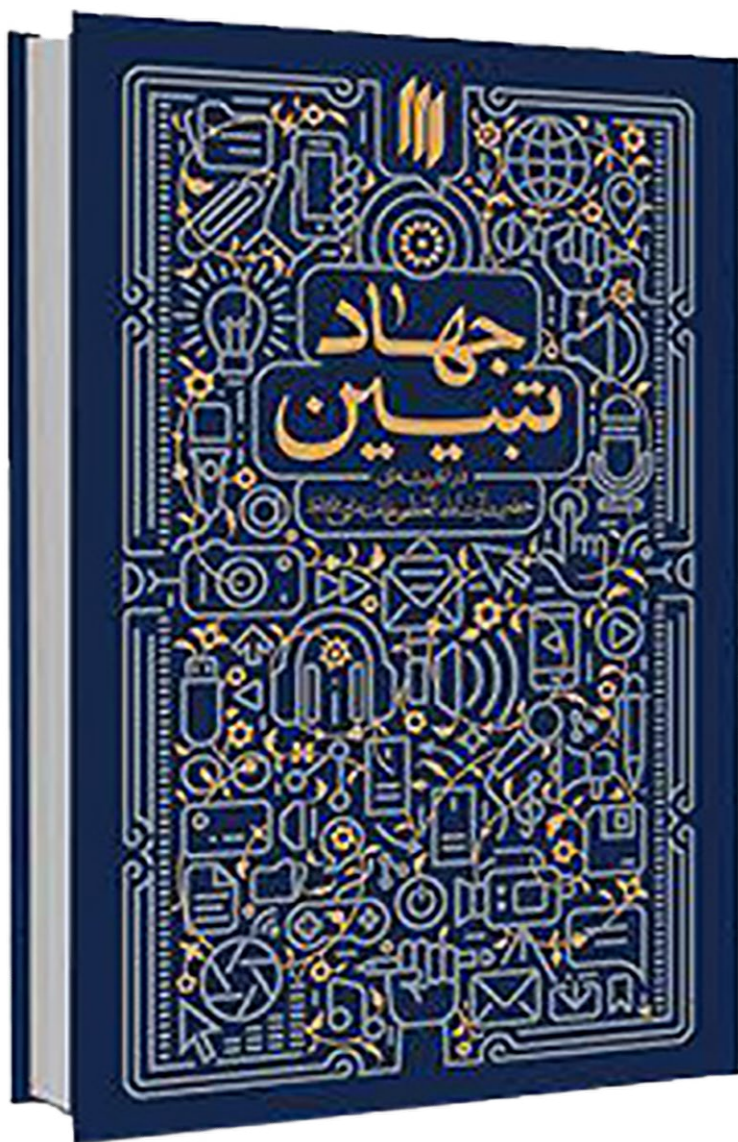
است؛ یک کار حاشیه‌ای نیست. کار فرهنگی یعنی کاری که دل‌ها و ذهن‌ها را با فرهنگ انقلاب و اسلام آشنا کند. استادان ارزشی هم مانند دانشجویان، که مسئولان میدان را باید برای آنها باز بگذارند، فرماندهان این جنگ نرم هستند. باید در این میدان نقش‌آفرینی و از فضای دانشگاه برای تبیین استفاده کنند.

(۳) دانشجویان و جوانان: امروزه نه تنها باید خود دانشجویان حقیقت را تشخیص دهند، بلکه باید فضا و محیط پیرامونی خود را هم با بصیرت کنند. باید توجه داشت باطل همیشه عریان نیست، بلکه گاهی با لباس حق وارد میدان می‌شود. این تبیین، خنثی‌کننده توطئه دشمن و تأثیرگذاری آن بر افکار عمومی است.

(۴) مطبوعات و رسانه‌ها: نظامی که مردم در آن نقش اصلی دارند، باید مردمش را آگاه کند. در نظام مردمی، مردم باید اهل تحلیل باشند تا بتوانند در هر شرایطی درست و غلط را تشخیص دهند. این آگاهی بخشیدن از طریق مطبوعات سالم،

انجام می‌شود. مطبوعات سالم یعنی مطبوعاتی که بنا بر عناد و بدجنسی نداشته باشد و نظام را تضعیف نکنند. امروزه برخی از مطبوعات، طوری قلم می‌زنند و تیتیر می‌نویسند، گویی همه چیز در این کشور از دست رفته است. انتقاد سازنده را باید از فضای تهمت و تشنج جدا کرد.

با توجه به موارد گفته‌شده، می‌توان این جهاد نوین را متعلق به همه اقشار جامعه و جزء حرکات ضروری در جامعه امروز دانست. بخش قابل توجهی از مطالب ذکر شده، برگرفته از کتاب «جهاد تبیین» است که این کلیدواژه را در اندیشه رهبر انقلاب بررسی می‌کند؛ لذا مطالعه این کتاب به خوانندگان محترم این یادداشت توصیه می‌شود.



کالای ایرانی، موتور محرک اقتصاد



فاطمه عشوریان

مسئول واحد خواهران
دانشکده ادبیات و زبان



پشت سر گذاشتن سختی‌ها و عبور از موانعی که تولیدکنندگان صبور ایرانی نشانه گرفته‌اند، به پا خواستن و حمایت از کالای ایرانی و زحمت ایرانی را ایجاد می‌کند.

اخیراً پیامی از مقام معظم رهبری درباره حمایت و تقدیر از تولید نوشت افزار ایرانی در سایت khamenei.ir منتشر شد که بدین شرح است: «نوشت افزار، در شمار کالاهای حیاتی برای امروز و فردای هر کشور است. تولید باکیفیت آن نیز برای کشور تولیدکننده، مایه افتخار است. از این که مجموعه‌هایی در کشور ما بر این اقدام افتخارآفرین همت گماشته و گام‌های موفقیت‌آمیز برداشته‌اند، خرسندم و پایداری آنان در این راه را از خداوند متعال مسألت می‌کنم. توفیقاتتان مستدام باد ان شاءالله.»

هر ایرانی با دیدن کالای تولید کشورش، کالایی که پشت آن تلاش، انرژی و استعداد کارگر ایرانی بوده احساس غرور و افتخار می‌کند. دست و پنجه نرم

کردن کشورمان با تحریم‌ها نتوانسته مانعی بر سر راه تولید باشد، بلکه بر خلاف انتظار اشتغال را به جریان انداخته و جوانان با تکیه بر توان خود و امکانات محدود، وظیفه تولید را به دست گرفته‌اند.

بر اساس اطلاعات سامانه یک پارچه وزارت صمت در سال ۹۸ حدود ۲۱۲ واحد تولیدی با اشتغال حدود ۷ هزار نفر مرتبط با صنعت نوشت افزار ثبت شده است. به گفته‌ی رئیس اتحادیه فروشندگان لوازم تحریر در تهران وضعیت عرضه لوازم تحریر ایرانی در بازارهای داخلی نسبت به سال‌های گذشته افزایش داشته و بیش از ۵۰ درصد کالاهای موجود در بازار سهم تولیدکنندگان داخلی است.

از خبرهای مسرت‌بخش در این زمینه خودکفایی خودکار کیان بود که توانایی و استعداد جوانان ایرانی را ثابت کرد. به‌طور حتم مردمان فرهیخته سرزمینمان باید به این باور دست پیدا کنند که با حمایت و خرید از تولید ملی انگیزه‌ای مضاعف به کارگران تزریق می‌کنند و به کیفیت کالاهای تولید شده کمک می‌کنند.

مقام معظم رهبری شعار سال ۹۷ را به «حمایت از کالای ایرانی» نام‌گذاری کردند و در دیدار با کارگران فرمودند: «واقعاً باید دست هنرمند کارگر ایرانی را

بوسید، باید دست شماها را بوسید! این تولید داخلی با ارزش از لحاظ کیفیت، با این همه گرفتاری‌ای که ما داریم، با این تحریم‌ها که جلو مواد اولیه را می‌گیرند، جلو ماشین پیشرفته را می‌گیرند، انواع و اقسام مشکلات را مستکبرین عالم جلو پای ما می‌گذارند؛ درعین حال وقتی انسان به محصول نگاه می‌کند، می‌بیند عجب برجستگی‌ای دارد.»

حمایت یا خیانت؟

مسئولین به‌عنوان قشر تاثیرگذار همواره مورد توجه مردم بوده‌اند. لذا در بحث انتخاب کالا هم باید با پرهیز از شعارزدگی قدم اول را در استفاده از کالای داخلی و حمایت از تولید ملی بردارند اما گاهی شاهد هستیم که نه تنها حمایت از تولید ملی از سوی آنان صورت نمی‌گیرد، بلکه استفاده از کالای خارجی باب میل برخی از مسئولین محترم بوده است! چرا کالای داخلی نباید مورد استفاده مسئولین قرار بگیرد؟ عبدالرضا هاشم‌زائی نماینده مردم تهران در مجلس دهم و در زمان مسئولیتش مصاحبه‌ای با خبرگزاری ایسنا داشت و آنجا مطرح کرد: «منی‌خواهم بگویم که از کالای ایرانی استفاده نمی‌کنم ولی برای مسافرت‌ها از خودروی ساخت داخل استفاده نمی‌کنم. در تصادفی که در جاده داشتم اگر خودروی من لکسوس نبود، می‌مردم، کما اینکه تعدادی از نمایندگان در تصادف با خودروی داخلی کشته شده‌اند. ما استانداردهای مناسبی در بحث ایمنی نداریم. شاید یک نماینده از لباس و کفش ایرانی استفاده کند اما خودرو که ویتترین کالای ایرانی است امروز وضعیت خوبی با گذشت ۵۰ سال ندارد.»

مأموریتی که به سرانجام نرسید

در باب حمایت از تولید ملی نقش بی‌بدیل رسانه را نباید نادیده گرفت. همان‌طور که رسانه‌های غربی به دنبال تبلیغ و نمایان کردن هر چه بیشتر

کالاهای خود هستند رسانه‌های داخلی نیز نباید دست‌روی دست بگذارند و از این امر مهم غافل بمانند.

یکی از اقدامات صدا و سیما در این راستا ایجاد شبکه‌ای به نام ایران کالا بوده که از سال ۹۶ به صورت رسمی با رویکرد حمایت از تولیدات داخلی و کار آفرینان فعالیت خود را آغاز کرده است. اما این شبکه نتوانسته به نحو احسن این هدف را دنبال کند. همچنین در ۱۶ دی ۱۳۹۷ طرح ممنوعیت تبلیغ کالاهای خارجی که دارای مشابه داخلی هستند در رسانه ملی به تصویب مجلس رسید اما همچنان رد پای کالای خارجی در رسانه ملی دیده می‌شود. نه تنها رسانه بلکه مطبوعات، پل‌های عابر پیاده، وسایل حمل و نقل همگانی و تابلوهای شهری می‌توانند در این امر مهم نقش آفرینی درستی داشته باشند. برخی مسئولین این امر هم، منافع خود را بر منافع ملی ترجیح می‌دهند و کالاهای خارجی در سطح شهرها به چشم می‌خورد که متأسفانه نمایانگر بی‌توجهی به قوانین مزبور است.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم گرچه نشست‌هایی برای حمایت از تبلیغات تولیدات داخلی برگزار کرده است اما لازم است به صورت جدی‌تری برای استفاده از کالای داخلی و تبلیغات آن فرهنگ‌سازی و تدبیر داشته باشد. فراگیر شدن کرونا و تعطیلی مدارس در این دو سال ضربه‌ی سختی به صنعت نوشت افزار وارد کرد و وعده‌های توخالی دولت برای حمایت از تولیدکنندگان این صنعت به این مشکلات دامن زد. اختصاص دادن یارانه و سهم دولتی به تولیدکنندگان نوشت افزار و افزایش دادن تعرفه واردات و جلوگیری از ورود کالای مشابه به کشور از جمله راهکارهایی است که امیدواریم دولت انقلابی برای حمایت و عرضه هر چه بیشتر نوشت افزار ایرانی در بازارهای خارجی اجرا کند.

بعد تا امروز وجود داشتند، ادعای مهدویت وجود داشت. بله، این پرچم مهدویت را کسی بلند کند، در آتش است. این معنایش این نیست که مردم با ظلم مبارزه نکنند، مردم برای تشکیل جامعه‌ی الهی و جامعه‌ی اسلامی و علوی مبارزه و قیام نکنند. این، بد فهمیدن دین است.»

شکست خوردگان دیروز، سیاست‌بازان امروز

تا قبل از پیروزی انقلاب، حجتیه‌ای‌ها معتقد بودند که این نهضت به مانند قبلی‌ها شکست می‌خورد؛ لذا در هیچ راهپیمایی ضد استعماری شرکت نمی‌کردند و حتی با اهانت به امام و همچنین با برگزاری جشن نیمه‌ی شعبان در سال ۵۷ ضد انقلاب بودن خود را نشان داد.

اما رویکرد حلبی و انجمن، به اصطلاح یکی به نعل یکی به میخ بود چرا که در جاهایی مثل تعطیلی ظاهری انجمن ارادت خود را بعد از انقلاب در سال ۶۲ به حضرت امام(ره) نشان دادند؛ اما عملاً این خط فکری همچنان امتداد دارد...

منتسب دانستن این جریان به اشاعره یا لیبرال‌ها تفاوتی نمی‌کند، دو خاستگاه و یک نتیجه؛ یکی تعطیلی عقل است و دیگری تعطیلی وجدان لکن نتیجه‌ی هر دو ترجیح باطل بر حق است.

در حال حاضر شاید چیزی به نام انجمن حجتیه وجود نداشته باشد اما با بررسی روند انجمن بعد از انقلاب می‌توان خرده‌اثراتی را در تفرقه‌افکنی بین شیعه و سنی و در ادامه، دامن‌زدن به آن، حوادث فتنه ۸۸ و غیره را می‌توان مشاهده کرد که نمایانگر دخالت این خط فکری است.

پی‌نوشت: بهانه‌ی این مرقومه از آنجایی شکل گرفت که مسیح مهاجرانی، مدیر مسئول روزنامه جمهوری اسلامی ایران طی اظهاراتی عنوان کرد که دولت روحانی حیات خلوت انجمن حجتیه بود و ما به او(حسن روحانی) تذکر می‌دادیم اما او توجهی نمی‌کرد...



بلکه منجر به کسب حمایت محمدرضا می‌شد؛ و از آن طرف هم بخاطر اینکه متظاهر به مذهب و مطیع مرجع بود مشروعیت و حمایت لازم را از طرف روحانیون دریافت کرد.

چیزی که حائز اهمیت است فارغ از فلسفه وجودی انجمن، این است که انجمن حجتیه اصل را گم کرد و به فرعیات پرداخت. با جدایی دین از سیاست باعث شد مبارزه با منشأ و ریشه‌ی فساد مغفول باقی بماند و این رویکرد مورد استقبال دربار قرار بگیرد.

بد فهمیدن دین یعنی چه؟ رهبر انقلاب در این باره می‌فرمایند: «بعضی‌ها خیلی از چیزها را نمی‌فهمیدند. مبارزه می‌کردیم؛ بعضی‌ها به استناد روایاتی که هر پرچمی که قبل از برافراشته شدن پرچم حضرت مهدی (ارواحنا فداه) برافراشته شود، در آتش است، با مبارزه مخالف بودند. می‌گفتند آقا شما قبل از مبارزه‌ی حضرت صاحب‌الزمان (عجل الله فرجه) می‌خواهید مبارزه شروع کنید؟ خوب، این پرچم مبارزه را که بلند می‌کنید، در آتش است. معنای حدیث را نمی‌فهمیدند. یک عده‌ای از صدر اسلام، از زمان ائمه (علیهم‌السلام) که شنیده بودند مهدی ظهور خواهد کرد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، ادعای مهدی‌گری می‌کردند؛ بعضی بر خودشان هم امر مشتبه بود. بد نیست بدانید هم در بنی‌امیه ادعای مهدویت بود، هم در بنی‌عباس بود، هم در افراد دیگری که چه در زمان بنی‌عباس و چه در زمان‌های

علوی به بهانه زمینه‌های دنیوی و شهوانی که بهائیت در اختیارش گذاشت لغزید و تا حدی پیش رفت که به‌عنوان یکی از مبلغان بزرگ بهائی کتابی در زمینه‌ی اثبات حقانیت بهائیت تالیف کرد.

حلبی وقتی این اوضاع را دید بهائیت را خطر بزرگی تشخیص می‌دهد؛ به این ترتیب انجمن حجتیه(انجمن خیریه حجتیه مهدویه) تاسیس شد. حلبی تا قبل از آن در رادیو مشهد سخنرانی داشت اما بعد از ورود اتفاقی او به بحث بهائیت، تربیت شاگرد و جذب نیرو برای او اولین اولویت شد. یکی دیگر از دلایل اصلی تاسیس انجمن حجتیه به گواه تاریخ، بحث مایوسی و سرخوردگی افراد بابت شکست نهضت نفت و همزمانی شدت گرفتن تبلیغ بهائیت است که در آن زمان خیلی از طلبه‌ها جذب آن می‌شدند از جمله هم‌حجره‌ای‌های حلبی. سلسله‌ی اتفاقات باعث شد که بهائیت برای او بزرگ جلوه کند و تمام استعمار و استکبار جهانی در بهائیت خلاصه شود؛ حلبی نتایجاً سیاست را رها و تمام وقت خود را جهت تربیت نیرو برای مبارزه با بهائیت صرف کرد. اتفاقاً بعد از ثبت رسمی انجمن در سال ۶۳ در اساسنامه آورده شد که هرگونه فعالیت سیاسی در انجمن و به اسم انجمن ممنوع است.

مقدس‌نمای ناآگاه

به گفته‌ی علی‌اکبر پرورش(یکی از اعضای سابق انجمن حجتیه)؛ از همه برادران و خواهران انجمن تعهد کتبی گرفته می‌شد که در هیچ صورتی وارد مسائل سیاسی نشوند، چراکه باعث از بین رفتن انجمن و فاصله گرفتن از هدف اصلی یعنی مبارزه فکری و فرهنگی با بهائیت می‌شود. این مشی انجمن، نه تنها عامل خشم دربار نبود



پرچم مهدویت

محمدامین برغمندی

دبیر دانشکده

علوم اجتماعی



پیرامون جریان شناسی انجمن حجتیه

فتنه، جولانگاهی است برای عیارسنجی آدم‌ها؛ جایی که حق و باطل بر آدم مشتبه می‌شود، هوایش غبارآلود است و زمینش لغزان. گاهی سکوت، در حکم تقیه است و گاهی در حکم تایید وضعیت موجود؛ چه سکوت‌هایی داریم از صدر اسلام تا عصر حاضر (به قدمت تاریخ)، که باعث ضایع گردیدن حق و غالب شدن باطل شده‌اند. فتنه‌ها در آخرالزمان دجال‌وار عمل می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که بهترین افراد در این امتحان سرنوشت‌ساز، مستعد بدترین شدن افراد هستند.

کج‌فهمی

مصادف شد با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ایده‌اش این بود که بهائیت دشمن اصلی دین است. پیش از مرداد ۳۲ بهائیت تبلیغات گسترده‌ای را در جهت منحرف

ساختن افکار عمومی شروع کرده بود؛ جریان

به شکلی گسترده شده بود که اعضای نزدیک شاه مثل هویدا و پزشک معتمد شاه و... بهائی بودند.

شیخ محمود حلبی و یکی از هم لباس‌هایش(سید عباس علوی) توسط یک شخص بهائی به بهائیت

دعوت می‌شوند. در همین راستا مطالعاتی بصورت تخصصی از طرف این افراد در رابطه با بهائیت انجام می‌شود. به گفته‌ی تاریخ سید عباس

حکمرانی درست، نیاز هر جامعه



نکاتی پیرامون دانشکده تازه تاسیس دانشگاه تهران



از بزرگ‌ترین مشکلاتی که در جامعه داریم، کمبود متخصص کارآمد در حکمرانی و مدیریت کشور است. به‌طور کلی دو نقد را می‌شود وارد دانست:

۱. در حوزه عملی ضعف داریم و نیاز داریم که در این راستا اقداماتی را انجام دهیم. یکی از این اقدامات، تاسیس دانشکده حکمرانی جهت حل این مشکل است.

۲. فقط به مبانی و نظریات غربی اکتفا نکنیم و از مبانی اسلامی برای حل و مدیریت مسائل کشور استفاده کنیم.

شالوده دانشکده حکمرانی

ساختار دانشکده حکمرانی متشکل از اساتید و روش تدریس آنان و دانشجویان می‌باشد.

در دانشکده حکمرانی، اساتید باید خصوصیتی نظیر توان علمی، تجربه و تخصص سیاسی، مدیریتی و اجرایی و همچنین روحیه رهبری را داشته باشند. همچنین نیازمند سه گروه از اساتید هستیم که متشکل از استادان مسلط بر مبانی و نظریات اسلامی، استادان مسلط بر نظریات غربی و نیز استادانی که تجربه اجرایی در حوزه مدیریت داشته باشند تا بدین طریق دانشجویان در همه ابعاد رشد کنند. در جذب دانشجویان نیز باید گزینش‌هایی مثل قدرت تحلیل مسائل و حل آنان، توان تصمیم‌گیری، روحیه خدمت عمومی، خلاقیت و نوآوری در ارائه راه‌حل‌ها در نظر گرفته شود.

شیوه آموزشی نیز باید به‌گونه‌ای باشد که دانشجویان بعد از آموزش نظریات و مبانی حکمرانی و مدیریت بتوانند بصورت عملی آن را اجرا کنند تا در صورت وجود نقص در یادگیری، مشکلی برطرف شود.

دانشجو باید بصورت محسوس مسائل را مشاهده کند تا در آینده هنگام مواجهه با آن‌ها بتواند عکس‌العمل مناسبی از خود نشان دهد و تصمیم درست را بگیرد.

یک دانشکده حکمرانی منحصر به فرد، باید ضمن مطالعه تخصصی مسائل دولت و حکومت اسلامی، مدیرانی حرفه‌ای پرورش دهد که بر اساس ارزش‌های آن نظام عمل کنند. در این دانشکده باید به مسئله پژوهش‌محوری تاکید ویژه شود تا خلأها و کمبودهای جامعه کشف و حل شود.

باتوجه به اخبار اخیر مطلع شدیم که دانشگاه تهران دانشکده حکمرانی را تاسیس کرده است تا دانشجویان رشته‌های فنی و فلسفه بتوانند بعد از گزینش و مصاحبه در مقطع

- یک دانشکده** از گزینش و مصاحبه در مقطع ارشد و دکترا در تخصص خود ادامه تحصیل بدهند. متأسفانه درباره سایر جزئیات مثل عدم پذیرش دانشجو از رشته‌های علوم انسانی نظیر حقوق، علوم سیاسی و مدیریت، تعداد واحدها، تعداد رشته‌ها، دروس و سال‌های تحصیلی، ضمانت شغلی هنوز اطلاعی در دسترس نیست. در چند روز اخیر علی‌رغم پیگیری‌های صورت گرفته آقای پورعزت، رئیس دانشکده حکمرانی دانشگاه تهران و آقای محمدرضا اسمعیلی، عضو هیئت علمی مدیریت دانشگاه تهران پاسخگوی سوالات ما نبودند.

پیشنهادی راهگشا

نبود این دانشکده در دانشگاه علامه طباطبائی (ره) که قطب علوم انسانی کشور به‌شمار می‌آید، یک خلا اساسی است. با تاسیس دانشکده حکمرانی و پذیرش دانشجویان گزینش شده و فارغ‌التحصیل از رشته‌های حقوق و علوم سیاسی هم میزان بیکاری در این رشته‌ها کاهش پیدا می‌کند و هم می‌توان افرادی کارآمد و متخصص در اداره جامعه و مدیریت آن پروراند. متأسفانه در این زمینه اقدامی صورت نگرفته است و ما این تقاضا را از دانشگاه داریم. البته ناگفته نماند که این برنامه را وزارت علوم باید بچیند تا سایر دانشگاه‌ها آن را به عرصه عمل بکشانند.

ختم کلام

باتوجه به مشکلات مدیریتی جامعه وجود دانشکده‌ای که تخصصی به حل این مشکل و تربیت مدیران توانمند و حرفه‌ای بپردازد بشدت احساس می‌شود. دانشکده حکمرانی نیاز مبرم هر جامعه‌ای می‌باشد که اخیراً هم نمونه‌ای از این دانشکده در دانشگاه تهران ایجاد شده است. ان‌شاءالله در روزهای آتی منتظر جزئیات اخبار این دانشکده خواهیم بود.

میزگردی با عنوان «بررسی چالش‌های موجود در مصوبه کنکوری شورای عالی انقلاب فرهنگی» برگزار کردند. در ادامه به بیان یکی دیگر از برنامه‌های انجمن مستقل در دو هفته اخیر می‌پردازیم.

کرسی‌های آزاداندیشی رگ حیاتی جامعه و دانشگاه

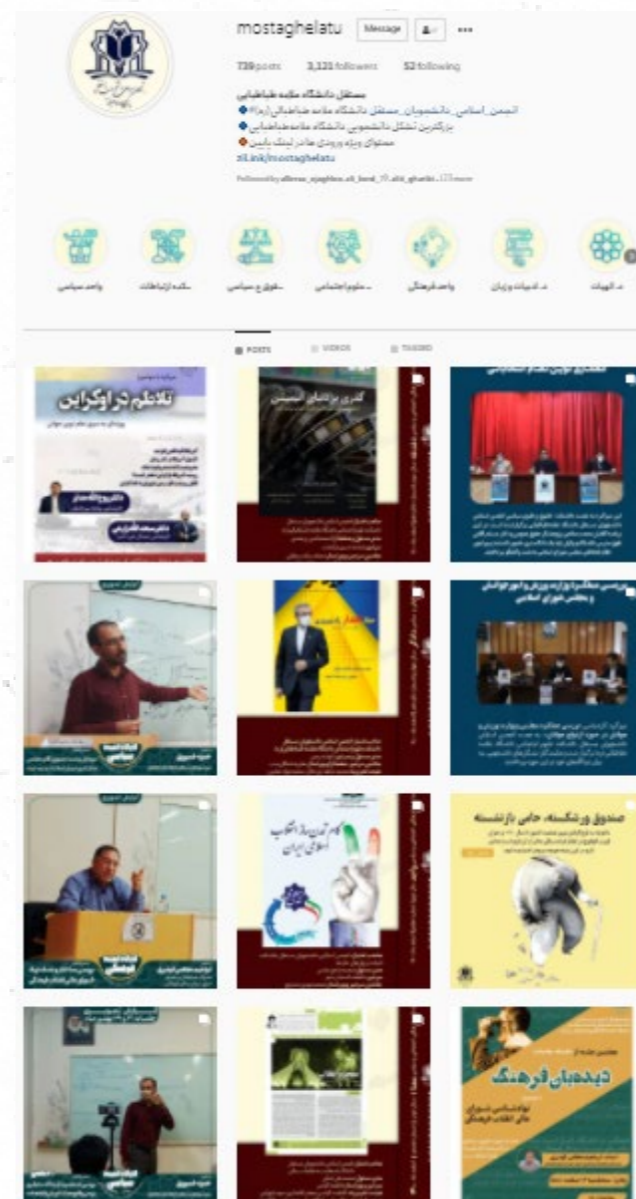
از قدیم که چه عرض کنم؛ اما بالأخره شنیده‌اید که می‌گویند: «قشر دانشجو حرف‌هایش برو و بیایی دارد. دانشجویها معروف هستند به تاثیرگذار بودن». یکی از مسائلی که رهبر معظم انقلاب بارها نسبت به آن تأکید داشتند برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی در بستر دانشگاه است. ایشان در این خصوص اشاره می‌کنند یکی از راه‌هایی که می‌تواند نسل جوان را در نقش و شأن محور بودن حرکت عمومی جامعه کمک کند و ظرفیت لازم را به آن‌ها بدهد تشکیل میزگردها و کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها است. انجمن مستقل نیز در راستای اهمیت این موضوع، در ۱۶ و ۲۵ بهمن‌ماه، کرسی‌های آزاداندیشی با عناوین «جمهوری اسلامی نه شرقی؟ نه غربی؟» و «عدالت اجتماعی» برگزار کرده است. تعدادی از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی با شرکت در این کرسی‌ها، به بیان نظرات خود درباره تحقق شعار نه شرقی نه غربی در جمهوری اسلامی، مباحث حول عدالت اجتماعی همچون وضعیت کشور در تحقق هدف عدالت اجتماعی، برخورداری اقشار مختلف جامعه از مفاد عدالت اجتماعی با توجه به قانون اساسی و... پرداختند.

مواردی که به آن‌ها پرداخته شد پایان برنامه‌های متنوع انجمن مستقل نبوده و نخواهد بود. شما با دنبال کردن صفحه اینستاگرام و به انجمن مستقل به آدرس **MOSTAGHELATU** می‌توانید سایر فعالیت‌های انجمن در روزهای آتی را مشاهده کنید.

این سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی» بله... این شاعر بزرگوار سی سال زحمت نکشید که اکنون استفاده از واژه‌های عجیب و غریب و خارجی تنش را درگور بلرزاند. بچه‌های دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجه به دلیل اهمیت زبان و ادبیات فارسی، مسئله حفظ و گسترش زبان فارسی را دنبال می‌کنند و در میزگرد اخیرشان در ۱۸ بهمن، به چالش‌ها و موانع موجود بر سر راه این زبان پرداختند.

در ادامه نوبت به دانشکده الهیات و معارف اسلامی می‌رسد. عارضم به خدمت مبارکتان احتمالاً شنیده‌اید که علوم انسانی روح همه دانش‌ها و جهت‌دهنده مسیر یک جامعه است. به همین دلیل بحث تحول در علوم انسانی و تلاش برای اسلامی‌سازی این علوم، چند سالی می‌شود که مطرح شده است؛ بچه‌های دانشکده الهیات نیز ۱۹ بهمن میزگردی درباره «عملکرد جمهوری اسلامی در حوزه تحول علوم انسانی» برگزار کردند.

ای قوانین انتخاباتی... ای قوانینی که هر روز و با هر انتخاباتی که می‌گذرد لزوم اصلاحات بیش از گذشته برایمان روشن می‌شود. حتماً می‌دانی که بچه‌های دانشکده حقوق و علوم سیاسی برای اصلاح تو چقدر تلاش می‌کنند؟ آنقدر که در کنار سایر فعالیت‌های مفیدشان، در ۲۳ بهمن میزگردی برای معماری نوین تو تدارک دیدند. امید است که تا قبل از انتخابات بعدی با اصلاح شدن ما را بسیار خوشحال کنی. کنکور و ما ادراک الکنکور؟ و تو چه می‌دانی کنکور چیست؟ همان آیینی دقی که همیشه‌ی خدا و در دوازده ماه سال از آن سخن می‌گویند و دل بچه‌های مردم را مثل زلزله هفت ریشتری می‌لرزاند. در حال حاضر مصوبه جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص کنکور حواشی بسیاری را به دنبال داشته است و همانند هر قانونی، مخالفان و موافقانی دارد. رسالت پیگیری این موضوع پرحاشیه و با اهمیت بر عهده دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی است. به‌همین دلیل بچه‌های این دانشکده در ۲۴ بهمن،



برنامه‌هایی در حوزه مباحث جمعیتی و قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت برگزار می‌کنند. میزگرد «ازدواج جوانان» که در ۱۷ بهمن برگزار شد نمونه‌ای از فعالیت بچه‌های این دانشکده است. حدس زدن دانشکده بعدی کار سختی نیست. می‌خواهیم به سراغ پرچم‌دار برگزاری بیش‌ترین تعداد جلسات کارشناسی، سلطان السلاطین، یعنی اقتصاد و آمار عزیز برویم. بچه‌های دانشکده اقتصاد در کنار مسئله «قانون پایانه‌های فروشگاهی» موضوع «مالیات بر عایدی سرمایه» را به‌عنوان مسئله‌محوری پیگیری می‌کنند. در ۱۸ و ۲۷ بهمن‌ماه نیز دو گفت‌وگوی دانشجویی حول موضوع مالیات توسط اعضای شورای این دانشکده برگزار شد. فردوسی شاعر عزیز می‌فرماید: «بسی رنج بردم در

آنچه در مستقل می‌گذرد

گزارشی از عملکرد انجمن مستقل در بهمن‌ماه



همان‌طور که می‌دانید در انجمن مستقل اعضای شورای هر دانشکده، یک موضوع محوری انتخاب می‌کنند و در طول یک سال متناسب با آن موضوع، فعالیت‌های مختلفی انجام می‌دهند؛ از برگزاری جلسات کارشناسی و میزگرد گرفته تا یادداشت‌نویسی و نامه زدن به مسئولین و نهادها. بر همین اساس، در بهمن‌ماه نیز شش میزگرد تخصصی مرتبط با موضوع محوری دانشکده‌ها برگزار شد. در این میزگردها اساتید متخصص در حوزه‌های مختلف دعوت می‌شوند و درباره موضوعات به بیان نظرات خود می‌پردازند. پس از برگزاری برنامه‌ها گزارش بسیاری از آن‌ها، در خبرگزاری‌های مختلف و صفحه انجمن در اینستاگرام منتشر می‌شود. در ادامه برای این که شما نیز با موضوع میزگردها و مسئله‌محوری هر دانشکده در انجمن مستقل آشنا شوید توضیحات کوتاهی درباره مسئله‌ی مورد پیگیری هر دانشکده بیان می‌شود. در ابتدا به سراغ دانشکده علوم اجتماعی می‌رویم. بچه‌های عزیز دانشکده علوم اجتماعی «سیاست‌های جمعیت در اسناد بالادستی» را به‌عنوان مسئله‌محوری پیگیری می‌کنند. در راستای همین موضوع،

کلام امام:

شما جوانان عزیز و دانشجویان عزیز که به معنای واقعی کلمه میوهی دل ملت و امید آیندهی این کشورید، به مسئلهی «تبیین» اهمّیت بدهید. خیلی از حقایق هست که باید تبیین بشود. در قبال این حرکت گمراهکنندهای که از صد طرف به سمت ملت ایران سرازیر است و تأثیرگذاری بر افکار عمومی که یکی از هدفهای بزرگ دشمنان ایران و اسلام و انقلاب اسلامی است و دچار ابهام نگه داشتن افکار و رها کردن اذهان مردم و بخصوص جوانها، «حرکت تبیین» خنثیکنندهی این توطئهی دشمن و این حرکت دشمن است.